

# اسرائیل و غرب

## همسویی و تعارض در منافع ملی



**کمیته روابط عمومی اسرائیل و آمریکا (آیپک) نقش بزرگی را در جلب حمایت‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا از اسرائیل دارد. علاوه بر آمریکا، یهودیان در اروپا نیز موفق به تأثیرگذاری شده و به صورت پیوسته با ایجاد تعاملات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، فرصت‌هایی را برای خود به وجود آوردند.**



دکتر حسین معین‌آبادی بیدگلی

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

/// رابطه کشورهای غربی با اسرائیل دارای پیچیدگی‌های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی است. سه دین یهود، مسیحیت و اسلام را ادیان «سامی» می‌نامند که بیشترین رقابت و تعارضات را با یکدیگر تجربه کرده‌اند. به صلیب کشیدن حضرت عیسی (ع) با حکم خاخام‌های یهودی و مقابله با نوکیشان مسیحی در امپراتوری رم، تجربه جانکاهی را برای مسیحیان رقم زد. با مسیحی شدن امپراتوری رم در دوران قیصر کنستانتین در قرن سوم میلادی، شرایط برای یهودیان به‌عنوان قاتلان پیامبر مسیحیت سخت شد. قتل و غارت، چپاول اموال، کوچ اجباری و سکنی گزیدن در خارج از شهر و در محلاتی فقیر و متروکه بنام گتو و عدم تعامل با مسیحیان، فشاری است که بر یهودیان وارد شده است. قرار دادن نشانه‌های معینی چون روبان‌های قرمز بر روی لباس و یا بر سر گذاشتن کلاه‌های خاص که نشانه یهودی بودن افراد بود، ضرورت داشت. معمولاً برای ازدواج با یهودیان محدودیت وجود داشت و بلایای طبیعی را ناشی از خشم خداوند به‌واسطه قتل پیامبرش توسط یهودیان می‌دانستند. تا قبل از انقلاب فرانسه و در طی قرون متممادی، یهودیان مورد آزار و اذیت فراوان قرار می‌گرفتند و در امپراتوری رم و بعدها در کشورهای غربی امنیت مالی و جانی نداشتند. اهمیت دین به‌عنوان عنصر هویت‌بخش باعث شد تا نخبگان یهودی و فراماسون‌ها از انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ حمایت نمایند. برای اولین بار اعتقادات دینی در هویت فردی کمرنگ شد و مباحث چون آزادی، برابری و حقوق فردی اهمیت یافت. دیگر در برگه‌های هویتی افراد از دین سؤال نشد و دین به امری شخصی تقلیل یافت و یهودیان برای اولین بار می‌توانستند بدون مزاحمت سایرین در فعالیت‌های سیاسی و عمومی وارد شوند. کشف آمریکا و امکان مهاجرت یهودیان به این قاره جدید، فرصت مناسبی را برای آنان به ارمغان آورد. یهودیان جزو فقیرترین اقشاری بودند که به آمریکا مهاجرت کردند، آن‌ها توانستند با ایجاد فرصت‌های جدید،

قوی‌ترین اقلیت اقتصادی و سیاسی و پس از تشکیل دولت اسرائیل، گروه نفوذی تحت عنوان آیپک را در این کشور ایجاد نمایند. کمیته روابط عمومی اسرائیل و آمریکا (آیپک) نقش بزرگی را در جلب حمایت‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا از اسرائیل دارد. علاوه بر آمریکا، یهودیان در اروپا نیز موفق به تأثیرگذاری شده و به صورت پیوسته با ایجاد تعاملات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، فرصت‌هایی را برای خود به وجود آوردند. نوع نگرش یهودیان به جهان و احساس برتری ذاتی قوم بنی اسرائیل نسبت به سایر اقوام و تبیین رسالت الهی که بر عهده این قوم است، باعث غیریت‌سازی در درون یهودیان به‌عنوان یهودی اروپایی و اصل تحت عنوان اشکنازی و یهودیان غیراروپایی با سفاراز از یک‌سو و از سوی دیگر نسبت به مسیحیان و سایر ادیان می‌شد. ایجاد کلنی‌های یهودی و توجه صرف به منافع قوم یهود و حمایت بی‌دریغ ایشان از یکدیگر بدون توجه به منافع سایر مردم باعث عکس‌العمل برخی از کشورهای غربی نسبت به ایشان شد. قدرت‌گیری حزب ناسیونال سوسیال در آلمان و اقدامات ضد یهودی این حزب و همراهی جامعه آلمان با هیتلر نشان از وجود برخی عقده‌ها و کدورت‌ها نسبت به یهودیان داشت. آلمانی‌ها ایشان را عامل شکست این کشور در جنگ اول جهانی دانسته و به علت خیانت ایشان منافع ملی آلمان تهدید شده و در جنگ شکست خورده بودند. شکست در این جنگ، تحقیر آلمان و بی‌توجهی یهودیان به مردم آلمان و منافع ملی این کشور و توجه صرف به منافع قشری و قومی باعث مقابله و قتل تعداد فراوانی از آنان در آلمان و سایر کشورهای اروپایی شد. آلمان‌ها ابتدا با غیریت‌سازی نسبت به یهودیان، ایشان را در داخل قلع‌و‌قمع کردند و برای توسعه‌طلبی سرزمینی و مقابله با سایر نژادهای غیر آریایی با کشورهای دیگر وارد جنگ شدند. ایجاد اردوگاه‌های کار اجباری برای نابودی یهودیان و ایجاد ابرنسان یا نژاد برتر همراه با مقطوع‌النسل کردن زنانی که فرزندان ناقص‌الخلقه به دنیا می‌آوردند، جداسازی افراد کم‌توان ذهنی،



تصور عموم، این رهبران یهودی بودند که بر طبل یهودستیزی می‌نواختند تا بتوانند یهودیان را متقاعد به مهاجرت به فلسطین بنمایند. شکل‌گیری کشوری یهودی از اهداف بنیان‌گذاران صهیونیسم و اختصاصاً تئودور هرتزل بود. تلاش‌های رهبران یهودی منجر به آن شد که اعلامیه بالفور (وزیر خارجه بریتانیا در زمان جنگ اول جهانی) در مورد تشکیل دولت یهود صادر شود. در ابتدا مباحثی در ارتباط با تشکیل دولت یهود در مناطقی از جمله در خاورمیانه (مصر - صحرای سینا)، در آفریقا (اوگاندا و اتیوپی) و آمریکای لاتین (منطقه آرژانتین) مطرح شد که در نهایت سه منطقه یا کشور برای تشکیل این دولت پیشنهاد و کشورهای اوگاندا، مصر و فلسطین به‌عنوان ارض موعود هدف‌گذاری شدند. بدون شک جنایات نازی‌ها در نسل‌کشی یهودیان، احساس عذاب وجدان غرب نسبت به ظلم تاریخی که به اقلیت یهودی داشته‌اند، پیگیری و نفوذ رهبران یهودی و پایداری مردم در تشکیل دولت اسرائیل مؤثر بوده است.

یهودیان بدرفتار نبوده و به‌عنوان یک دین الهی با پیروان حضرت موسی (ع) برخورد داشته‌اند. بر همین اساس و برخلاف جهان مسیحیت که نوعی عذاب وجدان تاریخی نسبت به این قوم دارد، مسلمانان چنین عذابی را احساس نمی‌کنند.

همکاری رهبران یهود چون تئودور هرتزل به‌عنوان نظریه‌پرداز دولت یهود با دولت عثمانی در پیش از جنگ دوم جهانی قابل‌توجه است، زیرا برخلاف ادعای یهودیان مبنی بر دشمنی تمامی دولت‌ها با ایشان، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که رهبران و بنیان‌گذاران دولت یهودی، ارتباطات زیادی با دولت‌های غربی داشته و حتی برای ایجاد احساس ناامنی در یهودیان این کشورها اقداماتی را انجام داده‌اند؛ به‌عنوان مثال از تفاهم با دولت عثمانی و مهاجرت بخشی از یهودیان به فلسطین، تعرض به سایر یهودیان، سوء قصد، بمب‌گذاری، تهدیدات رسانه‌ای و دامن زدن به یهودستیزی در این رسانه‌ها با هدف مهاجرت به فلسطین برنامه‌ریزی شد. برخلاف

معلولان و اعمال فقر غذایی با هدف نابودی انسان‌های ضعیف‌تر اتفاق افتاد. در دکتترین خالص‌سازی نژادی، علاوه بر خانواده‌های کم‌هوش و معلول آلمانی، یهودیان نیز باید نابود می‌شدند. اردوگاه‌های آشویتس و داخاو مراکزی برای نگهداری و قتل‌عام یهودیان بود. اتاق‌های گاز برای مرگ افراد ناتوان و کار اجباری طاقت‌فرسا برای یهودیان توانمند از جمله اقداماتی بود که در این اردوگاه‌ها اعمال می‌شد. هانا آرنت فیلسوف آلمانی به‌عنوان یک یهودی منتقد دولت اسرائیل معتقد است رهبران یهودی با دولت آلمان همکاری داشتند و مبالغی را برای آزادی ایشان می‌پرداختند و آن‌ها را آزاد می‌کردند. بی‌شک یهودیان در بند اردوگاه با دو دشمن روبه‌رو بودند، دولت آلمان به رهبری هیتلر که به دنبال نابودی آنان بود و رهبران یهودی که برخی را آزاد و به سایرین توجهی نمی‌کردند؛ اما برخلاف جهان مسیحی که ظلم و بی‌عدالتی‌های زیادی را نسبت به یهودیان روا داشته، تجربه زیست آنان در جهان اسلام متفاوت بوده است. مسلمانان هیچ‌گاه با



امروزه پس از گذشت نزدیک به ۸ دهه از تشکیل دولت اسرائیل، می‌توان چرایی حمایت دولت‌های غربی از این دولت را این‌گونه برشمرد:

۱. نفوذ لابی قدرتمند یهودی در کشورهای غربی و تلاش این اقلیت قدرتمند در راستای جلب نظر سیاست‌گذاران غربی در حمایت از دولت اسرائیل،

۲. توانایی مالی فراوان یهودیان و هزینه کرد فراوان برای حفظ دولت اسرائیل. لابی یهود را دست و دل‌بازترین لابی جهان می‌دانند. یکی از سناتورهای آمریکایی در پاسخ به خبرنگاری در مورد اولویت حمایت از حقیقت یا انتخاب مجددش به‌عنوان سناتور می‌گوید: «واقعیت این است که حقیقت خوب است، اما انتخاب مجدد به‌عنوان سناتور بهتر است. اگر از منافع دولت اسرائیل حمایت کنید حتی اگر برخلاف حقیقت باشد باعث می‌شود لابی یهود هزینه‌های گزافی را برای انتخاب مجدد شما پردازد، اما اگر چنین رفتار نکنید از رقیب شما حمایت خواهند کرد و صندلی در سنا یا پارلمان را از دست خواهید داد».

۳. از منظر غرب دولت اسرائیل یک کلنی یا اجتماع غربی است در قاف خاورمیانه و این کلنی مدل کوچکی از دموکراسی غربی است که می‌تواند الگوپردازی کشورهای اسلامی را از نوع حکمرانی غربی به همراه داشته باشد. این فرزند معنوی غرب به سرکردگی آمریکا علی‌رغم هزینه‌های گزاف باید حفظ شود.

۴. هژمون و سلطه رسانه‌های لابی یهود و جلب نظر رأی‌دهندگان و افکار عمومی غرب، بی‌شک این سلطه باعث شده است تا اجماع قابل‌توجهی در میان کشورهای غربی در حمایت از اسرائیل حفظ شود. این سلطه رسانه‌ای تا آمدن رسانه‌های رقیب ادامه داشت. رسانه‌های رقیب موفق شدند تا جنایات دولت اسرائیل در غزه و لبنان را به تصویر بکشند و اسطوره‌سازی قربانی بودن یهودیان را زیر سؤال ببرند.

۵. از بازی کردن نقش قربانی و نسل‌کشی یهودیان تحت عنوان هولوکاست، به‌عنوان ابزاری برای توجیه خشونت دولت اسرائیل بر علیه مخالفین سیاسی و اعراب خاورمیانه استفاده شد. انگ سیاسی تحت عنوان ضد یهودی در غرب باعث بی‌اعتباری افراد می‌شد و در منطقه خاورمیانه با این ابزار به‌تمامی کشورهای همسایه فلسطین تعرض کرده و حاکمیت ملی این کشورها را نقض کردند. بزرگ‌نمایی حادثه هولوکاست و بهره‌برداری یهودیان از جنایات نازی‌ها در جنگ دوم جهانی تا سال‌های اخیر ادامه داشت، اما جنایات دولت اسرائیل در فلسطین و غزه باعث بی‌اعتباری قربانی سازی یهودیان شد و این تصویر غیرواقعی را تغییر داد.

۶. حمایت مالی و نظامی از اسرائیل، وام‌های کم‌بهره، بخشیدن بدهی‌های این دولت توسط دولت آمریکا باعث تقویت این دولت شد.

۷. حمایت رسمی و غیررسمی غرب از این دولت باعث بی‌اعتباری این کشورها در منظر جامعه جهانی شده است. بیش از ۵۰ بار استفاده از حق وتو برای حمایت از آمریکا در شورای امنیت و اعمال سیاست‌های دوگانه غرب در مورد عدم محکوم کردن اسرائیل به نقض حقوق بشر، عدم محکوم کردن این کشور به نقض حاکمیت ملی کشورها باعث بی‌اعتبار سازی نهادها و قوانین بین‌المللی شده است.

۸. نفوذ مؤثر یهودیان در کشورهای غربی و به دست آوردن جایگاه‌های مالی، سیاسی و علمی در این کشورها باعث تغییر رفتار در سیاست خارجی ایشان شده است.

۹. هزینه کرد فراوان یهودیان در کشورهای مختلف برای حفظ منافع اسرائیل، یافته‌ها نشان می‌دهد تنها دولتی که با کمک‌های مردمی اتمی شده است، اسرائیل است.

۱۰. غیرقابل‌پیش‌بینی بودن رفتارهای دولت اسرائیل و بی‌توجهی به حق حاکمیت کشورهای غربی باعث شده است که نسبت به رفتارهای این دولت با احتیاط عمل نمایند. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که دولت اسرائیل به کرات حاکمیت ملی دولت‌های غربی را نقض کرده است. بمب‌گذاری در بندر مarse فرانسه، آدم‌ربایی در ایتالیا و انگلیس از جمله اقدامات اسرائیل نسبت به هم‌پیمانان خود بوده است، دزدی اطلاعاتی و نظامی از آمریکا به کرات اتفاق افتاده است. این کشور با بمباران سایت هسته‌ای اوسیراک عراق و تحمیل جنگ ۱۲ روزه به ایران، بمباران‌های متعدد سوریه و لبنان برخلاف حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد عمل می‌نماید. به‌طور کلی به‌واسطه

«دیوار غربی» مقدس‌ترین مکان مذهبی یهودیان در شهر اورشلیم

## با توجه به شرایط موجود چه راهکارهایی برای مقابله با اسرائیل وجود دارد؟

۱ همان گونه که مشخص است، ایران توانسته است جلوی هژمونی اسرائیل را در منطقه خاورمیانه سد کند. شکست ایران راه را برای سلطه اسرائیل و غرب در خاورمیانه هموار خواهد کرد و چالش نسبت به سایر مدعیان بازیگری در خاورمیانه همچون عربستان و ترکیه اتفاق خواهد افتاد، بر همین اساس نزدیکی کشورهای مسلمان و عمومی کردن خطر اسرائیل و غرب برای طرح خاورمیانه جدید ضروری است. تصور اسرائیل از خود به عنوان بازیگر جدید خاورمیانه است و با از بین رفتن مقاومت ایران، دکترین خود را بر خاورمیانه تحمیل خواهد کرد.

۳ ایجاد ائتلاف جهانی و حمایت از آرمان فلسطین با هدف حفظ حقوق مردم این سرزمین،

۵ آمادگی دفاعی هر چه بیشتر کشور و رفع نقص های نظامی،

بر همین اساس می توان امیدوار بود که علی رغم حمایت بی چون و چرای غرب از اسرائیل، منافع ملی ایران حفظ شود و از هژمونی غرب در خاورمیانه جلوگیری شود. III

۲ جلب و حفظ انسجام ملی با استراتژی جذب حداکثری در ایران ضروری است. امروزه که کشور در وضعیت آتش بس موقت است، حفظ حمایت مردم از نظام ضروری است و عامل مهمی در جلوگیری از ماجراجویی دشمن و فروپاشی سرزمینی است. مماشات با سیاسیون و دگراندیشان، عفو زندانیان سیاسی و حتی تغییر روند حکمرانی ضروری است،

۴ استفاده از ظرفیت های دیپلماسی رسمی و سازمان های بین المللی برای حفظ منافع ملی ایران،

۶ گسترش شرکای استراتژیک و افزایش توان بازدارندگی نظامی کشور.

کمک و حمایت غرب از اسرائیل، این رژیم تحت هیچ قاعده و عرف بین المللی نیست و بازی گری خودسر است،

۱۱. این کشور عموماً موفق شده است پای آمریکایی ها را برای حفظ منافع ملی خود برخلاف منافع ملی آمریکا به بحران های خودساخته اش باز کند که یکی از کارت های برنده این دولت در سیاست خارجی می باشد. سوابق قبلی همچون مخالفت با برجام تا راه انداختن جنگ ۱۲ روزه و جلب نظر آمریکا در حمله به تأسیسات اتمی ایران برخلاف منافع ملی آمریکا بوده است، اما این دولت موفق شده است سیاست خارجی آمریکا را در راستای منافع خود تغییر دهد،

۱۲. تلاش برای نشان دادن چهره عبوس و خشن و جنگ طلب از اسلام و تبدیل درگیری خود با خاورمیانه به یک درگیری تمدنی که یک طرف آن جهان مسیحی یهودی و طرف دیگران جهان اسلام است. این استراتژی باعث شده است که غربی ها، اسرائیل را به عنوان آوانگارد و خط شکن در مقابله با جهان اسلام قلمداد نمایند و جنگ اسرائیل را جنگ خود بدانند. لابی آپیک در آمریکا و اقلیت قدرتمند در سایر کشورهای غربی موفق به تبیین چنین تصویری شده اند. چالشی که با کتاب (برخورد تمدن) های هانتینگتون شروع شد و به ائتلاف مسیحی یهودی علیه جهان اسلام منجر شده است.